



Interdisciplinary Legal Research

Jul 2021, 3(2): 1-18

Available online on: www.ilrjournal.ir

e-ISSN:2717-1795

ORIGINAL RESEARCH PAPER

Jurisprudential and Legal Review of the Sale of Goods before Maturity in the Commodity Exchange Market

Morteza Ammarloo¹, Mohammad Ali Kheirollahi^{*2},  Akbar Fallah³

Received:

16 Mar 2022

Revised:

05 May 2022

Accepted:

24 May 2022

Available Online:

02 Jun 2022

Abstract

Background and Aim: Pre-sale is one of the most common transactions in the market, especially the commodity exchange. According to Islamic jurisprudence, pre-sale has rulings, including the lack of license to sell goods before the maturity, which is one of these important issues and a disagreement among jurists. Considering the acceptance of this contract, as one of the mechanisms of commodity exchange transactions, the question arises whether the sale of goods before the maturity in the traditional market, especially the stock exchange is correct?

Materials and Methods: It is descriptive study.

Ethical Considerations: All ethical considerations have been observed.

Findings: One of the rulings of the pre-sale contract is the sale of goods before the maturity in the secondary market, which is disputed by jurists. Some jurists have invoked the prohibition of non-licensing for reasons such as consensus, narrative, etc. And also its sales license solutions, including, in the form of lawyers, transfers, etc. It was investigated and explained.

Conclusion: It is permissible to sell the goods before the maturity according to Islamic jurisprudence and law, because by concluding the contract, as the seller owns the money and seizes it, in return, the buyer becomes the owner of the goods.

Keywords:

Pre-sale,
Futures Sale,
Goods,
Commodity
Exchange.

1 PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2 Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran. (Corresponding Author)*

Email: Dr.Kheirollahi@Hotmail.com Phone: +989111125032

3 Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

Please Cite This Article As: Ammarloo, M; Kheirollahi, MA & Fallah, A (2022). "Jurisprudential and Legal Review of the Sale of Goods before Maturity in the Commodity Exchange Market". *Interdisciplinary Legal Research*, 3 (2): 1-18.



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)

مقاله پژوهشی

(صفحات ۱-۱۸)

بررسی فقهی و حقوقی فروش مبیع قبل از سررسید در بازار بورس کالا

مرتضی عمارلو^۱، محمدعلی خیرالهی^{۲*}، اکبر فلاح^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Dr.Kheirollahi@Hotmail.com

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۳ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

چکیده

زمینه و هدف: پیش‌فروش، یکی از اقسام معاملات رایج در بازار، به‌ویژه بورس کالا است. بر اساس فقه اسلامی پیش‌فروش دارای احکامی است که از جمله آن، عدم جواز فروش مبیع قبل سررسید است که از این مسائل مهم و اختلافی بین فقها است. با توجه به پیش‌بینی این قرارداد، به‌عنوان یکی از سازوکارهای معاملات بورس‌های کالا، این سؤال مطرح می‌شود که آیا فروش کالا قبل از سررسید در بازار سنتی، به‌ویژه بورس صحیح است؟

مواد و روش‌ها: روش تحقیق در این مقاله به‌صورت توصیفی بوده است.

ملاحظات اخلاقی: تمامی اصول اخلاقی در نگارش این مقاله رعایت شده است.

یافته‌ها: یکی از احکام قرارداد پیش‌فروش، فروش مبیع قبل از سررسید در بازار ثانویه است که مورد اختلاف آراء بین فقها است. برخی از فقها برای ممنوعیت عدم جواز، به دلایلی استناد کرده‌اند که عبارت از اجماع، روایت و... است و همچنین راه‌کارهای جواز فروش آن از جمله، در قالب صلح، وکالت، حواله و... است که مورد بررسی و تبیین قرار گرفت.

نتیجه‌گیری: فروش مبیع قبل از سررسید بر اساس فقه و حقوق اسلامی، جایز است زیرا با انعقاد عقد همان‌طور که فروشنده مالک ثمن (پول) است و در آن تصرف می‌کند در مقابل خریدار مالک کالای سلفی می‌شود و این ملک طلق او است.

کلمات کلیدی: پیش‌فروش، بیع سلف، مبیع، بورس کالا.

مقدمه

۱- بیان موضوع: معامله پیش‌فروش، از انواع معاملات پذیرفته‌شده و مشروع در فقه اسلامی است و پیش‌فروش عبارت است از فروش کالا به مدت معین به ثمن نقد و یا در حکم نقد است. همچنان که بیان‌شده است در تعریف بیع سلف فروختن چیزی در ذمه برای مدت معلومی در مقابل مال حاضر یا در حکم آن است (حلی، ۱۴۰۸: ۵۵/۲). پیش‌فروش، معامله است که امروزه در نظام اقتصادی و تجاری تمامی کشورها متداول گشته است و بازار ایران از این امر مستثنی نیست. کشاورزان و صنعتگران به‌ویژه تولیدکنندگان به معامله پیش‌فروش نیاز دارند زیرا برای تأمین سرمایه و نقدینگی خود نیازمند به پیش‌فروش محصولات خود هستند، که از این راه، وجوهی را به دست آورده و به‌وسیله آن بتوانند تولید نمایند، مثلاً مواد خام بخرند و مخارج و هزینه‌های کارخانه و مزرعه را تأمین کنند و هنگامی که تولیدات آماده شد در سررسید به مشتری تحویل دهند. و معامله پیش‌فروش می‌تواند به‌عنوان یک مدل سرمایه‌گذاری توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاران، به‌ویژه در بازار بورس کالا انجام شود و با توجه به اهمیت بازار بورس کالا و تأثیرگذاری معامله پیش‌فروش در بورس، این سؤال مطرح می‌شود: آیا معامله پیش‌فروش در بورس، منطبق بر فقه و حقوق اسلامی است؟ یکی از احکام معامله پیش‌فروش که مورد اختلاف بین فقها است، حکم فروش کالا قبل از سررسید است که آیا از منظر فقه ممنوع و باطل است و باید نسبت به آن‌ها تجدیدنظر شود یا اینکه شرعاً مشکلی ندارد؟ در این پژوهش سعی شده است به سؤالاتی از جمله صحت معامله پیش‌فروش و بیان دلایل طرفداران عدم صحت فروش کالا قبل از سررسید در بیع سلف بررسی و پاسخ داده شود.

هدف اساسی از نگارش مقاله، بررسی تحلیل جامع و مشروح مفاهیم پیش‌فروش و بورس و بررسی حکم فروش کالا قبل از سررسید در معامله ثانویه پیش‌فروش به‌ویژه در بورس با

تکیه بر آیات و روایات و نظرات فقها و حقوقدانان است و همچنین از اهداف علمی این بررسی، فروش کالا قبل از سررسید در معامله پیش‌فروش در بورس است که به‌عنوان یک اختلاف بین فقها مطرح است و از اهداف کاربردی این تحقیق و تفحص آن است که در مراکز آموزشی، پژوهشی، دانشگاهی، قضا و بازار مالی و بورس مورد استفاده قرار می‌گیرد.

تمایز این پژوهش از آثار پیش‌گفته، در این است که می‌کوشد نگاه تحلیلی به نظرات و مستندات فقها و حقوقدانان محور کار قرار داده و گرانیگاه پژوهش را تبیین آیات و روایات و اصول و قواعد در بیع قرار داده و می‌کوشد فروش کالای سلفی قبل از سررسید در معامله پیش‌فروش در بازار و بورس را بررسی کند.

۲- مفهوم شناسی واژه‌های کاربردی

تبیین کلید واژه‌های پژوهش، به‌عنوان نخستین گام در تحقیق، ضمن تعیین معنای واژه‌ها، به خواننده کمک می‌کند با جغرافیای پژوهش و مرزبندی آن نیز آشنا شود. «پیش‌فروش»، «بورس کالا» کلیدواژه‌هایی هستند که برای تبیین بحث، در ادامه شرح داده و مفهوم شناسی می‌شوند.

۲-۱- پیش‌فروش

مفهوم پیش‌فروش همان‌طور که از آن برمی‌آید یعنی فروش از قبل، فروش پیش از موعد یا به تعبیری فروختن چیزی پیش از آماده شدن آن. (انواری، ۱۳۸۱: ۱۵۱۴) و همچنین عبارت است از «فروختن مال یا غله قبل از مهیا شدن، یا بها ستاندن پیش از تحویل مال است و به‌عبارت‌دیگر فروختن کالایی است که هنوز موجود نیست و فروشنده پولی می‌گیرد که بعد آن را تحویل بدهد» (عمید، ۱۳۶۹: ذیل واژه). یا به معنی بیعی است که به‌موجب آن، خریدار، وجوه مورد تعهد خود را از پیش به فروشنده می‌پردازد و فروشنده متعهد می‌شود که جنس مورد

معامله را پس از انقضای مدت معین به خریدار تحویل دهد (معین، ۱۳۷۶: ذیل واژه).

از منظر فقها پیش‌فروش به معنی سلف یا سلم آمده است یعنی دادن قیمت نقد و گرفتن جنس پس از مدت است (محمدی، بی‌تا: ۲۹۴/۱) و همچنین در فارسی آن را فروختن یا خریدن پیشکی می‌گویند- که عبارت است از فروختن مالی را که بر ذمه فروشنده باشد تا زمان مشخص به ثمن و بهایی که حاضر باشد یا مثل حاضر باشد، مثل اینکه به وصف مشخص کرده باشد و اداء آن ثمن به تعجیل لازم باشد- به عکس بیع نسبه- و بعد از اجرای صیغه حاضر کنند، یا حاضر کرده را بدهند، مقصود این است که قبل از تفرق تسلیم ثمن بشود (انصاری، ۱۴۲۱: ۳۶).

حقوقدانان نیز تعریفی از قرارداد پیش‌فروش اموال ارائه نکرده‌اند. در رابطه مفهوم حقوقی پیش‌فروش باید گفت که قرارداد پیش‌فروش تعبیری دیگر از بیع سلف یا بیع سلم است و به تعبیری یکی از حقوقدانان، پیش‌فروش پیش‌خرید عبارت عامیانه، بیع سلم است. (لنگرودی، ۱۳۸۳: ۱۱۹) «بیع سلف» و یا به تعبیر دیگر: «بیع سلم» عبارت از بیعی است که ثمن آن حال و مبیع آن مؤجل است و در عرف عوام به آن پیش‌خرید یا پیش‌فروش نیز می‌گویند، مثل اینکه کشاورزی به تاجری ده خروار گندم می‌فروشد و ثمن آن را نقداً دریافت می‌نماید و تعهد می‌کند که در فصل برداشت گندم، آن را به تاجر تحویل دهد. (طاهری، ۱۴۱۸: ۴/۴۳) و به عبارت دیگر بیعی است که مبیع (کالا) در آن، نسبه، و ثمن (بها) باشد و فی مجلس به قبض درآید. نقد به عبارت دیگر، سلم، فروختن مال مضمون در ذمه است به مال معلوم و مقبوض در مجلس معامله. این بیع را در عرف، پیش‌فروش گویند. (فیض، ۱۳۸۳: ۳۰۰)

در قوانین و مقررات ما، تعریفی کلی از قرارداد پیش‌فروش ارائه شده است، اما در ماده ۱ قانون پیش‌فروش ساختمان مصوب ۱۳۸۹ می‌توان اشاره کرد. از مجموع تعاریف که در مورد پیش‌فروش از علمای اهل لغت و فقها و حقوقدانان بیان

کرد این است معنای لغوی پیش‌فروش با تعریف اصطلاحی آن جدا نیست و مفهوم سلف را علاوه بر معنای معروف (پیش‌فروش) گاهی در معنای قرض نیز- چنان که در لغت حجاز آمده- استعمال می‌شود. (شاهرودی ۱۴۲۶: ۲/۲۰۴)

بنابراین واژه پیش‌فروش، فارسی است که یکی از معاملات رایج در روابط اقتصادی است و عبارت است از فروش کالا و هر آنچه مالیت داشته باشد و دارای منفعت عقلایی باشد به مدت معین به ثمن نقد و یا در حکم نقد است.

۲-۲- بورس

«بورس» لفظی فرانسوی است به معنای مایه، ذخیره موجودی سهام، دارای موجودی کردن و یا جزء موجودی نگاه داشتن. گفته شده است که ریشه این لغت از واژه لاتینی «bursa» است. (فصلنامه حوزه، ۱۳۶۷: ۱۱۴) تعبیری دیگر بازار یکپارچه از یک نوع یا یک رده کالا را بورس می‌نامند، مانند بورس طلا، بورس پارچه و... (حیدری، ۱۳۶۰: ۳/۲۷) در اصطلاح عبارت از بازار متشکل، منظم و دائمی است که در آن کالا و سهام مبادله می‌شوند (نقل از وبگاه سازمان بورس اوراق بهادار تهران: www.irbourse.com).

۳-۳- بورس کالا

آنچه در تعریف بورس کالا بیان شده است عبارت از «بورس معاملات کالا، بازار خرید و فروش دائمی و منظمی است که در آن کالاهای معینی معامله می‌شود. در این بورس بیشتر، کالاهای خام و مواد اولیه مانند گندم، جو، آرد، شکر، دانه‌های روغنی و... خرید و فروش می‌شود» (معصومی نیا، ۱۳۸۷: ۲۸). آنچه به نظر می‌رسد در تعریف بورس کالا عبارت است از بازاری که در آن کالاها معین و یا خام و مواد اولیه و عرضه آن به بازار، به صورت نقد و یا مدت‌دار خرید و فروش می‌شود. برخی بورس‌های کالا بورس‌های عمومی کالا هستند، یعنی کالاهای متعدد و متنوعی در آن دادوستد می‌شوند. برخی نیز بورس کالاهای خاصی هستند، مانند بورس پنبه نیویورک و بورس نفت نیویورک. (ناصری، ۱۳۹۲: ۵۱)

به فروش آن در بازار می‌نمایند. لازم به ذکر است برای تبیین بحث، این نکته را باید توجه داشت که در مسأله فروش مبیع در پیش‌فروش مبتنی بر بیع سلف در فقه، سه صورت قابل‌تصور است

یکم، فروش مبیع پیش از سررسید، در این صورت، بین فقها اختلاف‌نظر است و نیاز به بررسی و تبیین دارد که فقها در عدم جواز بیع پیش از سررسید در مجموع به هشت دلیل استناد کرده‌اند که در این تحقیق به پرداخته می‌شود.

دوم، فروش مبیع بعد از سررسید و پیش از قبض، درباره صورت دوم هم اختلاف وجود دارد، اکثر فقیهان اصل جواز را هرچند با کراهت قبول دارند. (عاملی، بی‌تا، ۴۷۳) اما جواز این صورت، برای استفاده از این عقد در کاربردی کردن کافی نیست.

سوم، فروش مبیع بعد از سررسید و بعد از قبض، صورت سوم بدون هیچ اختلاف، جایز است، زیرا شبهه‌ای وجود ندارد که شخص کالایی را که خریده و قبض کرده، مالک شده است و می‌تواند به خود فروشنده و یا به هر فرد دیگری بفروشد.

۳- بررسی فروش مبیع قبل از سررسید

یکی از احکام اختصاصی معامله پیش‌فروش، ممنوعیت فروش مبیع پیش از سررسید است، هرگاه از معامله پیش‌فروش در بازار سنتی یا بورس کالا استفاده شود و درصدد فروش کالا سلفی به فرد سوم نباشد و به تعبیری، بازار ثانویه برای آن نباشیم، مشکل خاصی از این جهت پیش نمی‌آید و امکان استفاده از قرارداد پیش‌فروش حتی در معامله‌های کلان نیز وجود دارد، به طوری که افراد بتوانند به صورت مشاع آن کالا را مالک شوند، مشکل زمانی پیش می‌آید که بخواهیم از این قرارداد، در بازار ثانویه در بورس کالا طراحی و استفاده کنیم. این مسأله بر این مبتنی است که بتوان کالایی را که به صورت پیش‌فروش خریداری شده و قیمت آن نیز پرداخت شده، پیش از سررسید، در بازار ثانویه

۳- روش تحقیق: این پژوهش به روش مطالعه کتابخانه‌ای بین کتب معتبر فقهی و حقوقی اسلامی و مقاله‌های مرتبط با موضوع انجام گرفته و اطلاعات لازم جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل شده است. بنابراین روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی محسوب می‌شود.

بحث و نظر

۱- مورد معامله در پیش‌فروش

۱-۱- ثمن و مثن کالا باشد، به عبارت دیگر أعراض، یعنی عرض که «عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا» (نساء/۹۴) و این به معنی متاع، متاع‌ها و کالاها را می‌شود با بیع سلف فروخت که ثمن هم کالا است، در این قسم ثمن و مثن هر دو کالا است و اگر اتحاد در جنس، یعنی در سنخ داشته باشند، یکی نقد باشد، دیگری نسیه، در صورتی که مکیل یا موزون باشند، شبهه ربا است، برای جلوگیری از شبهه ربا باید اختلاف در جنس کالا باشد.

۱-۲- ثمن، پول نقد (رایج) و مبیع، کالا است، در این قسم أعراض با اثمان است.

۱-۳- مثن نقد یعنی نقدی است، مثل طلا و نقره است و ثمن کالا است.

۱-۴- ثمن نقد است و مثن طلا و نقره است در این قسم دو مشکل دارد، یکی اینکه قبض در بیع صرف شرط است، همانطوری که در سلف جایز نیست، نسیه آن هم جایز نیست. دوم اینکه اگر اتحاد جنس داشته باشد شبهه ربا است.

۲- فروش مبیع در بازار ثانویه

یکی از احکام اختصاصی بیع سلف در فقه، ممنوعیت فروش مبیع پیش از سررسید است، که اگر خریدار قبل از سررسید کالا، در بازار ثانویه اقدام به فروش آن نماید از نظر فقه اسلامی اشکال دارد و اکثر فقها چنین معامله را جایز نمی‌دانند و این مسأله در بازار پیش‌فروش به‌ویژه بورس کالا مشاهده می‌گردد که خریداران کالا قبل از تحویل آن، اقدام

فروخت. درحالی‌که اکثر فقیهان چنین معامله‌ای را جایز نمی‌دانند.

۳-۱- دلایل عدم جواز فروش مبیع قبل سررسید

در بین فقها مشهور است که فروش کالای سلفی قبل از سررسید جایز نیست و همچنین در اهل سنت هم‌چنین شرطی منتسب به ابوحنیفه و شافعی است. (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۰/۱۳)

۳-۱-۱- اجماع

عده کثیری از جمله، عاملی در جامع المقاصد (عاملی، ۱۴۱۴: ۲۴۱)، حلی در تنقیح (حلی، ۱۴۰۴: ۱۴۵)، حلی در غنیه (حلی، ۱۴۱۷: ۳۲۸)، عاملی در مفتاح الکرامه (عاملی، ۱۴۱۷: ۴۷۳/۴) فاضل آبی در کشف الرموز (فاضل آبی، ۱۴۱۷: ۵۲۵)، اردبیلی در مجمع البرهان (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۶۰) چنین معامله‌ای را جایز نمی‌دانند و ادعای اجماع می‌کنند.

پاسخ: آنچه به نظر می‌رسد، اتفاق کامل بین فقیهان وجود ندارد زیرا همان‌گونه که اشاره شد، ابن‌حمزه، صاحب حدائق، شهید ثانی و برخی دیگر یا با صراحت یا تلویحاً قول به جواز را پذیرفته‌اند، ثانیاً باوجود دلایل پیش‌گفته احتمال فراوان وجود دارد که اجماع کنندگان هریک به دلیلی استناد کرده باشند و با این احتمال، اجماع از اعتبار و حجیت ساقط می‌شود. (فراهانی فرد، ۱۳۸۸، ۲۴) بنابراین تمسک به اجماع برای عدم جواز مبیع قبل از سررسید اعتبار ندارد و در حجیت و اعتبار آن تردید وجود دارد.

۳-۱-۲- روایت

یکی از دلایل ممنوعیت فروش مبیع قبل از سررسید که برخی از فقها به آن تمسک کرده‌اند روایت پیامبر اکرم (ص) است که می‌فرماید: «ما لیس عندک و ربح مالک یضمن» آنچه در نزد تو نیست نفروش. ازجمله قائلین به این روایت ابن‌عبدالبر است که عدم جواز را قول ابوحنیفه، ثوری، اوزاعی، شافعی و لیث می‌داند و دلیل آنان را نهی پیامبر اکرم (ص) از بیع برشمرده است. (ابن‌عبدالبر، ۱۳۸۷: ۳۴۵/۱۶). فاضل

مقداد در تنقیح الرائع ابتدای کلام محقق حلی را به این صورت نقل می‌کند که فروش مبیع سلم پیش از سررسید مجاز نیست و بعد از سررسید مجاز است حتی اگر آن را قبض نکرده باشد، اما درباره غذا، فروش مبیع سلف پس از سررسید باوجود عدم قبض مجاز است چه به فروشنده اولیه و چه به شخص دیگر و استناد کرده است به روایت پیامبر اسلام (ص) از فروش سلم پیش از سررسید، نهی کرده است. (حلی، ۱۴۰۴: ۱۴۵)

در پاسخ آنچه به نظر می‌رسد: این نهی پیامبر (ص) درباره اعیان است. یک عین خارجی که نزد شما نیست نفروش! و این بیانگر این است کالای که در مالکیت و یا تحت سلطنت و نفوذ (ولایت، وکالت و...) فروشنده نیست نمی‌تواند بفروشد اما آنچه در معامله پیش‌فروش کالای سلفی مطرح است مبیع کلی در ذمه است که با انعقاد عقد، مالکیت حاصل می‌شود و این روایت شامل کالای سلفی نمی‌شود.

۳-۱-۳- صدق بیع دین پیش از قبض

یکی از دلایل عدم جواز فروش مبیع قبل از سررسید، تصدیق بیع دین است که از آن نهی شده و باطل است و ازجمله فقهای که به این دلیل تمسک کرده‌اند آقای بحرانی است و می‌فرماید: «فروش سلف پیش از سررسید، از مصداق‌های بیع دین پیش از قبض است.» (بحرانی، ۱۴۰۵: ۵۴۵)

پاسخ: بر اساس عموماً قرآنی «احل الله البیع» مشهور فقها شیعه بیع دین را جایز می‌دانند و اگر دلیل خاصی بر عدم مشروعیت چنین بیعی در کار نباشد، بیع دین پیش از قبض را مشمول عموم آیه شریفه می‌دانند و حکم به صحت آن می‌کنند. (موسویان، ۱۳۸۹، ۱۰۲) آنچه به نظر می‌رسد عبارت است از سلف بودن دخیل نیست، دین بودن معیار است. آنچه در ذمه است کالای سلفی است، که گاهی قرض است و گاهی دین است که بین دین و قرض تفاوت است. قرض یک عقد است، ایجاب و قبول لازم است، اما دین مالی است که در ذمه قرار می‌گیرد، گاهی با بیع «سلف» است که مبیع در

غرری» عبارت از بیعی است که یکی از طرفین آن باوجوداینکه احتمال زیان خود را در آن بیع می‌دهد، اقدام به‌واقع ساختن آن می‌نماید مثل‌اینکه بآنکه مبیع مجهول است اقدام به خرید مبیع مجهول می‌نماید. (طاهری، ۱۴۱۸: ۴۵/۴) برای صدق غرر کافی است و در پیش‌فروش به خاطر دین بودن مبیع احتمال غرر و فریب وجود دارد و از طرفی به خاطر احتیاج به این نوع از بیع، باید غرر احتمالی آن را تحمل کرد و حال بخشی از این احتمال غرر با وجوب قبض ثمن در مجلس عقد جبران می‌شود. (رافعی، بی‌تا، ۲۰۹/۹؛ حلی، بی‌تا: ۳۳۵/۱۱)

پاسخ: می‌توان در قرارداد با ذکر دقیق شرایط و وصف‌های کالا سلفی و تعیین زمان سررسید، به‌طور کامل قرارداد را منضبط کرد و ابهامی در معامله نمی‌ماند تا مصداق بیع غرری شود.

۳-۱-۷- اصل عدم ملکیت

اگر تردید در لزوم قبض مبیع در سررسید موجب تردید در سببیت عقد برای انتقال ملکیت شود اصل عدم انتقال ملکیت، حاکم است. در قرارداد سلف، پیش از سررسید، خریدار هنوز مالک مبیع نشده است تا بتواند آن را بفروشد و به دیگری منتقل کند. لیکن در عرف به کسی که استیلاء بر مبیع پیدا نکرد و از هر حیث قادر بر تصرف در آن نباشد اطلاق مالک نمی‌توان کرد (سبزواری، ۱۴۱۳: ۳۳۷/۱۸)

آنچه به نظر می‌رسد در پاسخ به این استدلال باید گفت: صاحب جواهر معتقد است درباره اصل عدم نقل، ایشان معتقد است، باوجود عمومات قرآنی چون «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» و «أَحْلُ اللَّهُ الْبَيْعَ» تردیدی در حصول نقل و انتقال نیست (نجفی، ۱۴۰۴، ۲۸۹/۲۴) و همچنین مالکیت مبیع با انشای عقد سلف پدید می‌آید و پیش از سررسید خریدار مالک کلی در ذمه بایع است و اگر بخواهد همین مالکیت کلی را به دیگری منتقل کند قاعدتاً مال خود را منتقل کرده است و بی‌اشکال است (موسویان، ۱۳۸۹: ۱۰۲) و در نتیجه در بیع دوم همان مالکیت

ذمه قرار می‌گیرد، گاهی با بیع «نسیه» است که ثمن در ذمه قرار می‌گیرد و گاهی با اتلاف مال مردم است بنابراین دین خیلی وسیع‌تر از باب سلف، باب قرض، اتلاف، غصب و مانند آن است. و از طرفی مشهور فقیهان شیعه، بیع دین را جایز می‌دانند، چون عموم ادله بیع مانند آیه شریفه «أَحْلُ اللَّهُ الْبَيْعَ» شامل چنین معامله‌ای شده و مشروعیت آن را اثبات می‌کند.

۳-۱-۴- صدق بیع دین به دین

فروش سلف پیش از سررسید، از مصداق‌های بیع دین به دین است. محقق اردبیلی فروش مبیع پیش از سررسید را به‌طور مطلق ممنوع می‌داند و در استدلال خود به امکان وقوع بیع دین به دین اشاره می‌کند. (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۶۰)

پاسخ: اولاً در اغلب موردها به‌ویژه در مسأله اوراق سلف، ثمن معامله نقد است. بنابراین از مصداق‌های بیع دین به دین نخواهد بود. ثانیاً بیع دین به دین در صورتی باطل است که مبیع و ثمن پیش از قرارداد دین باشند نه به خود قرارداد و اگر یکی از ثمن یا مثنی به خود قرارداد دین شود از نظر صحت یا بطلان اختلاف نظر وجود دارد.

۳-۱-۵- خریدار حق مطالبه ندارد

در قرارداد سلف، پیش از سررسید، خریدار استحقاق مطالبه ندارد. عده از فقها (بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۶؛ شهید ثانی، ۱۳۸۸: ۱۸۷؛ سبزواری، ۱۴۲۳: ۵۲۳) باور دارند که خریدار پیش از سررسید استحقاق مطالبه ندارد. شهید ثانی در روضه فروش کالای سلفی پیش از سررسید را به این علت جایز نمی‌داند که مشتری در آن زمان استحقاقی نسبت به مبیع ندارد. (عاملی، ۱۴۱۰: ۴۲۱-۴۲۲)

پاسخ: استحقاق مطالبه پیش از سررسید، شرط صحت سلف نیست و گرنه باید سلف اول نیز باطل می‌شد. (موسویان، ۱۳۸۹: ۱۰۲)

۳-۱-۶- صدق معامله غرری

فروش مبیع، پیش از سررسید، معامله غرری است. یکی از دلایل عدم جواز فروش کالای سلفی، لزوم غرر است و «بیع

کلی را به دیگری منتقل می‌کند. و همچنین کاشف العطا در انوار الفقاهه می‌نویسد: «اگر خریدار در عقد سلم پیش از سررسید فوت کند مبیع سلم در ترکه وی داخل می‌شود» (نجفی، ۱۴۲۲: ۳۰۰) و این سخن بیانگر این است که کالای سلفی پیش از سررسید نیز در ملکیت خریدار قرار دارد. باوجود ادله عمومی چون بنای عقلا، اوفوا بالعقود، المؤمنون عند شروطهم و... که دال بر اصل صحت و لزوم عقود هستند موضوع برای جریان اصل باقی نمی‌ماند.

۳-۱-۸- عدم قدرت تسلیم مبیع

یکی دیگر از دلایل ممنوعیت فروش مبیع قبل از سررسید در بازار ثانویه عبارت است از عدم قدرت تسلیم مبیع در موعد معین است و از جمله فقهای که عدم جواز به دلیل استناد کرده صاحب جواهر است می‌فرماید: در قرارداد سلف، پیش از سررسید، خریدار قدرت بر تسلیم (تحویل) مبیع ندارد (نجفی، ۱۴۲۲: ۳۱۹).

پاسخ: در قرارداد بیع، قدرت بر تسلیم در زمان انشای عقد، شرط صحت معامله نیست. بلکه قدرت بر تسلیم هنگام سررسید شرط است که در آن موقع قدرت تسلیم کالای پیش‌فروش را داشته باشد. و همچنین اگر قدرت بر تسلیم در زمان سررسید وجود داشته باشد از این لحاظ اشکالی پیش نمی‌آید. (نجفی، ۱۴۲۲: ۲۹۹-۲۳۰)

۳-۲- راه کارهای جواز فروش مبیع قبل از سررسید

برخی از فقها فروش مبیع قبل از سررسید را جایز می‌دانند البته نظرشان این است که بایع نمی‌تواند مبیع را قبل از سررسید در بازار ثانویه در قالب بیع سلف مبتنی بر فقه بفروشد بلکه اگر قصد فروش دارد باید در قالب دیگر عقود جایز است در این پژوهش سعی شده است دیدگاه‌های برخی از فقهای که طرفدار جواز فروش مبیع قبل از سررسید در بازار ثانویه هستند مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.

۳-۲-۱- فروش مبیع در قالب صلح

شهید ثانی در مسالک دلیل جواز بر فروش مبیع قبل از سررسید را بدین‌صورت بیان می‌کند که خریدار حق مالی دارد و می‌تواند حق خود را به دیگری بفروشد و اینکه وی نمی‌تواند آن را پیش از سررسید، مطالبه کند، دلیل بر این نمی‌شود که نتواند آن را بفروشد. (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۳۳/۳) البته مصالحه مبیع سلف قبل از سررسید را برخی فقها مجاز اعلام نموده‌اند (شهید اول، ۱۴۱۷: ۲۶۱/۳) فاضل میسی صلح بر آن را جایز دانسته‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۴۳۳/۳). «بیع سلم پیش از سررسید به‌طور مطلق جایز نیست اعم از اینکه به‌صورت نقد فروخته شود یا نسیه و به خود فروشنده اولی باشد یا شخص دیگری، توله باشد یا غیر آن، اما بنا بر اصح، صلح آن جایز است» (کلباسی، بی‌تا: ۲۴۹).

آنچه به نظر می‌رسد در پاسخ، اینکه ماهیت حقوقی صلح از بیع متفاوت است زیرا ماهیت در صلح، سازش و باهم کنار آمدن است و تملیک نیست در این حال نتیجه‌اش تملیک است و در صلح چیزی بنام خریدار و فروشنده نیست بلکه طرفین وجود دارد و احکام بیع در اینجا جاری نمی‌شود از قبیل خیار و غرر و این موجب عسر و حرج در بازار می‌شود. و اینکه دیگر معامله سلف انجام نمی‌شود.

۳-۲-۲- فروش مبیع در قالب حواله

کسانی که قائل به جواز فروش کالا قبل سررسید در پیش‌فروش می‌باشند معتقدند که اینکه پیش‌فروش در قالب معامله حواله انجام شود و بهترین راه حل جهت رفع محدودیت در پیش‌فروش در بازار بورس است. و استناد شده است به قرارداد سلف موازی استاندارد که در دستورالعمل‌های مصوب هیأت‌مدیره بورس و شورای عالی بورس ماده سوم مبنی بر اینکه عرضه‌کننده متعهد به تحویل دارایی پایه، بر اساس حواله مذکور خواهد بود در مورخه ۱۳۹۲/۰۱/۲۴ است و همچنین جهت تأیید ماده ۷۲۷ ق.م و تصریح ماده ۷۳۲ ق.م اشاره شده است. (صادقی مقدم، ۱۳۹۵: ۵۱)

نمود درحالی که فقها چنین چیزی را جایز نمی‌دانند. (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۴۲۹/۱۴)

۳-۳-۳- فروش مبیع در قالب وکالت

سلف موازی وکالتی به این صورت است که مشتری در موضع فروشنده مبیعی مثل مبیع سلف اول، به شخص ثالث در قالب عقد سلف می‌فروشد. بایع در عقد دوم (مشتری اول)، به مشتری خود وکالت بلاعزل می‌دهد که در زمان سررسید به بایع سلف اول مراجعه کرده و کالای منظور شده را دریافت کند. (جوهری، ۱۴۱۹: ۲۰۸) اعطای وکالت در انواع مختلف بیع مثل سلف، صرف و... و نیز وکالت دادن در جمیع احکام و توابع آن بیوع از قبیل فسخ، اخذ به شفعه و... صحیح و جایز است. (علامه حلی، بی تا: ۴۰/۱۵)

در پاسخ به نظر می‌رسد، به مقتضای وکالت که از عقود جایز است، چنانکه برای فروشنده اولیه یا یکی از خریداران واسطه مشکلی مانند مرگ، جنون یا بی‌هوش پیش بیاید، قرارداد وکالت باطل می‌شود و این باعث اختلال در بازار ثانویه می‌شود. (فراهانی فرد، ۱۳۸۸: ۲۹)

۳-۳-۴- فروش مبیع به خود بایع

عده دیگری از فقها قائل به عدم جواز فروش کالای سلف می‌باشند از جمله صاحب وسیله (ابن حمزه) بر این باور است که اگر خریدار بخواهد در زمان سررسید بیع سلف یا پیش از زمان سررسید، مبیع را به خود فروشنده و به همان جنسی که خریده و به مبلغ بیشتری بفروشد، وی فروش به جنس دیگر را بی‌اشکال می‌داند (ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸: ۲۴۲؛ تبریزی، ۱۴۲۷: ۲۳۴؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۷: ۲۵۰؛ سیستانی، ۱۴۲۲: ۳۱۱؛ خویی، بی تا: ۲۳۴) در اهل سنت مالکیه فروش کالای سلفی به بایع را در صورتی که طعام نباشد جایز دانسته‌اند. (ابن رشد، ۱۴۱۵: ۱۶۵/۲)

۳-۳-۵- فروش مبیع در قالب بیعانه

یکی از راه‌کارهای که برخی از فقها، جهت برون‌رفت از این اشکال فقهی، عدم جواز فروش مبیع قبل از سررسید، نظریه

یکی از ایراداتی که بر قرارداد سلف موازی در قالب حواله مطرح می‌شود شمول روایات نهی از فروش کالای سلفی قبل از قبض بر عقد حواله است. با این توضیح که برخی از فقهای اهل سنت حواله را نوعی بیع می‌دانند. زیرا حواله در حقیقت مبادله مال در مقابل مال است. همچنان که در بیع نیز تبادل مال صورت می‌پذیرد. حواله مانند این است که محیل آنچه را که در ذمه خود دارد در مقابل آنچه بر ذمه محال‌علیه دارد می‌خرد (نوی دمشقی، ۱۴۲۳: ۴۶۲؛ مارودی المصری، ۱۴۱۴: ۴۲۰). و لذا نهی عن البیع شامل آن نیز می‌شود و اشکال دوم که از نظر برخی فقهای شیعه از جمله علامه حلی (علامه حلی، ۱۴۱۸: ۳۶۷) نیز می‌توان طرح نمود، معاوضه بودن حواله و شمول روایات نهی بر هرگونه معاوضه است.

آنچه در پاسخ به نظر می‌رسد، آنچه فقهای بدان معتقد هستند این است که حواله بیع نیست (حسینی شیرازی، ۱۴۲۲: ۳۰۰؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۸۰) مرحوم صاحب جواهر علت قول به بیع بودن حواله را شباهت «محال به» با مبیع دانسته‌اند به گونه‌ای که تصور شده است در آن چیزی در مقابل محال به‌قرار می‌گیرد و مبادله می‌شود (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۷۵) درحالی که این برداشت و الحاق حواله را به بیع به دلیل صرف وجود شباهت بین آن دو چیزی جز قیاس نیست و به دلیل این که امامیه قائل به بطلان قیاس است، قیاس نمودن حواله به بیع محکوم به بطلان است. (شیخ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۰/۳) لذا صرف وجود شباهت بین این دو عقد نباید منجر به یکی دانستن آن دو شود، زیرا هر یک از این عقود مستقل از دیگری و قائم بالذات است و آثار مخصوص به خود را دارا است. همچنین اگر بین دین محیل و محال‌علیه (در حواله بر مدیون) بیع صورت بگیرد باید عقدی بین آن دو واقع شود درحالی که کسی متعرض آن نشده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸(ب): ۲۶) به علاوه بیع مختص به الفاظ و لوازم خویش است اگر حواله بیع باشد باید بتوان آن را به لفظ بیع نیز منعقد

فروش مبیع در قالب بیعانه بیان کرده‌اند. و به‌عنوان نمونه، امروزه شرکت‌های خودروساز برای پیش‌فروش کردن اتومبیل خود به مشتری، مبلغی را دریافت می‌کنند که در قالب بیعانه است. و آنچه در تعریف بیعانه آمده است عبارت است پولی که خریدار برای انجام دادن معامله به فروشنده می‌دهد. (معین، ۱۳۷۶: ۶۲۹/۱) اما در فقه، بیعانه مبلغی است که خریدار به‌عنوان پیش‌پرداخت کالا به فروشنده می‌پردازد و این اقدام در معاملات متعارف است که دو نفر بر بیع یا اجاره‌ای به نحو وعده ابتدایی یا یکدیگر به توافق می‌رسند تا در آینده آن را قطعی کنند. گاه کسی که درصدد خرید یا اجاره است برای استحکام کار، مبلغی در اختیار طرف مقابل می‌گذارد که به آن بیعانه گفته می‌شود. در فقه بیعانه با عنوان عربون که پیش‌پرداخت است آمده است. (شاهرودی، ۱۴۲۶: ۱۷۲ / ۲) در جواز بیع عربون حدیثی از امیرالمؤمنین [ع]، به نقل از امام صادق [ع]، در کتب اربعه آمده است. وهب از امام صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که آن حضرت به نقل از امیرمؤمنان علیه‌السلام فرموده‌اند، «لَا يَجُوزُ الْعَرْبُونُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ نَقْدًا مِنَ الثَّمَنِ»، عربون [پرداخت چیزی به فروشنده] جایز نیست، مگر آن‌که به‌عنوان پرداخت بهای کالا باشد. (شیخ صدق، ۱۴۱۵: ۱۹۸/۴؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۳/۱۰؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۲۳۴/۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۰۵/۱۲) اما برخی از فقها، در شرط صحت بیعانه می‌فرمایند: اگر بیعانه به‌عنوان عوض خیار فسخ در عقد لازم (بیع یا اجاره) شرط شده باشد وفای به آن واجب است. (بحرانی، ۱۴۰۵: ۹۹/۲۰؛ انصاری ۱۴۱۵: ۱/۲۵۲) و همچنین چنانچه معامله قطعی شده بیعانه جزء ثمن است و مشتری باید بقیه ثمن را داده و بر طبق معامله عمل نماید، و اگر معامله قطعی نیست و بیعانه را داده تا مال را به دیگری نفروشد. در صورتی که فروخت باید به صاحبش برگرداند و در استفتای دیگر می‌فرماید: چنانچه بیعانه را به‌قصد خرید داده و طرف هم به‌قصد فروش گرفته، معاطات صدق می‌کند و آثار بیع را دارد. (تبریزی، ۱۳۸۵: ۲۳۴/۱)

برخی از مراجع محترم تقلید، از جمله حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی، پیشنهاد داده‌اند که پیش‌فروش را به دلیل مشکلاتی که در قالب بیع سلف ایجاد می‌کند، بهتر است در قالب بیعانه بیاورند، یعنی مبلغ پرداخت اولیه را به‌عنوان بیعانه قرار دهند و قرارداد قطعی را در هنگام تحویل مبیع و پرداخت ثمن به‌صورت نقد انجام دهند. (گواهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸)

آنچه در پاسخ به نظر می‌رسد بیعانه عقد نیست بلکه یک پیش‌پرداخت است از باب حق تقدم و اولویت است و این برای بایع الزام نمی‌آورد که بعداً طرفین عقد اقدام به خریدوفروش کنند بنابراین بیعانه پولی است که مشتری به‌عنوان قسمتی از کل مبلغ خودرو، به بایع پرداخت می‌کند. برخی از فقها، بیعانه را جایز ندانسته‌اند و از نظر آن‌ها این‌گونه معامله باطل است و پس دادن بیعانه را به صاحبش واجب دانسته‌اند. (علامه حلی، بی‌تا: ۱۲/۱۷۴-۱۷۵؛ خمینی، ۱۴۰۳: ۱۲/۳۵۵؛ شهید اول، ۱۴۱۷: ۳/۲۱۷) و اینکه پرداخت مبلغی به‌عنوان بیعانه و در مقابل کالای که موجود نیست یکی از مصادیق اکل مال به باطل است و شامل آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء/۲۹) و مقصود هرگونه تملک و ستاندن مالی است که نه چیزی به‌عنوان عوض در برابر آن قرار گیرد و نه تملیکی رایگان از سوی مالک باشد. و بیعانه زمانی صحیح است که جزئی از ثمن مبیع باشد والا بنا بر روایات و سخنان بزرگان باطل است.

۳-۳-۶- فروش مبیع در قالب بیع آینده

امروزه یکی از راه‌کارهای فروش مبیع قبل از سررسید در بازار ثانویه، در قالب بیع آینده است. بیع آتیه یا همان بیع آینده، عبارت است از بیعی که در آن مبیع در تاریخ عقد وجود خارجی ندارد، ولی بایع تعهد می‌کند که آن را بسازد یا فراهم کند و سر موعد تحویل دهد. بنا بر دیدگاه برخی از فقها، بیع آینده از عقود باطله است و از جمله دلایلی که در بطلان آن، استناد شده است: یکم، روایت، آنچه در کتب روایی در مسأله

فروش میوه یک‌ساله قبل از ظهور وارد شده است جایز نیست و باطل است (حعاملی، ۱۴۰۹: ۱۰۹/۱۸) و از این گونه معاملات منع می‌کند؛ دوم، اجماع، صاحب جواهر می‌فرماید: حتی ادعای اجماع بر بطلان آن کرده‌اند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۴/۵۶). سوم، سیره عقلا بر این است که مورد معامله موجود باشد. اگر موجود نباشد و یا مورد تردید است، خارج از شمول عموماً و باطل خواهد بود. (محقق داماد، ۱۳۸۹: ۴۰۸/۲) و از تملیک معدوم منع شده است. چهارم، ماده ۳۶۱ در قانون مدنی، «اگر در بیع عین معین معلوم شود که مبیع وجود نداشته، بیع باطل است.» پنجم، روایت «نهی النبی (ص) عن البیع الغرر» غرری بودن معامله به آینده را شامل می‌شود. (نراقی، ۱۴۱۷: ۹۴) است بنابراین فروش خودرو در قالب بیع آینده صحیح نیست. ظاهراً همه یا اکثر علما می‌فرمایند: این معامله باطل است و شرعاً جایز نیست. برخی به بطلان این معاملات تصریح کرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۹۳/۳)

آنچه در پاسخ به نظر می‌رسد و مورد بحث است فروش مبیع در بازار ثانویه قبل از سررسید است که بیشترین کاربرد آن در بازار بورس کالا است قرارداد پیش‌فروش کالا بین سازنده و مشتری است و طبق روال و ضوابط بورس شرکتی می‌تواند در بازار بورس، کالا عرضه کند که قدرت تولید داشته باشد و گرنه پیش‌فروش از اصل باطل است. صدق بطلان بیع آینده زمانی است که با بیع قدرت تولید و یا تسلیم مبیع را در موعد معین نداشته باشد و از لحاظ فقهی باطل است و تطبیق بیع آینده از این جهت، در بازار ثانویه صحیح نیست چون یکی از احکام پیش‌فروش مبتنی بر بیع سلف در فقه، قدرت تسلیم در موعد معین است. اما در مورد اصل بیع آینده آیا باطل است یا خیر؟ نیازمند به تحقیق و بررسی جداگانه است که به آن پرداخته شود.

۳-۷- فروش مبیع بر اساس اولویت و امتیاز حق تقدم

یکی از راه‌کارهای پیشنهادی برای فروش مبیع در بازار ثانویه در قالب حق تقدم و اولویت است. خریداران کالا، مبلغی را

به‌عنوان حق تقدم یا اولویت به حساب شرکت تولیدکننده واریز می‌کنند و نسبت به خرید آن ثبت‌نام می‌نمایند و سازنده موظف است در مدت‌زمان مشخص، کالا را تولید و یا تهیه نماید و در اختیار خریدار قرار دهد و مبلغ پرداختی از طرف مشتری در این شیوه فروش کالا، جزء ثمن مبیع نیست صرفاً برای قرار دادن اسم افراد در لیست است و این معامله با بیع سلف در فقه فرق دارد زیرا ثمن در بیع سلف در مقابل مبیع پرداخت می‌گردد در صورتی که در این نوع فروش کالا، افراد ثمن را نمی‌پردازند و مثن نیز وجود خارجی ندارد، ولی با توجه به اینکه این کالا تعداد زیادی مشتری دارد، آنان برای اینکه اسمشان را در لیست خریداران آن کالا قرار دهند و در زمان فروش، آن را به آن‌ها بفروشند، مقداری پول می‌پردازند و از این امتیاز بهره‌مند می‌شوند. و اشکالاتی که در فروش کالا در قالب بیع سلف مبتنی بر فقه وارد بود در این شیوه فروش کالا وجود ندارد. از جمله فقها معاصر که می‌توان نام برد که قائل به این روش فروش کالا شده‌اند فقیهی است که در پاسخ به سؤالی می‌فرماید: «به نظر ما حداقل این است که این معامله لزوم ندارد، یعنی جزو معاملات شرعی لازم نیست، ولی به‌عنوان رضایت طرفین، اشکالی ندارد. جزء عقود شرعی نیست ولی می‌توانند تراضی کنند و این اشکالی ندارد و دلیلی بر حرمتش نداریم، هرچند ممکن است گاهی کار خوبی نباشد. فرض کنید خانه شما در محله‌ای واقع شده که پدر و مادر من در آن زندگی می‌کنند. من دلم می‌خواهد این خانه را از شما بخرم. خانه شما ده نفر مشتری دارد و می‌گویید که من می‌خواهم به یکی از آن‌ها بفروشم. من می‌گویم که این مبلغ را به شما هدیه می‌دهم و شما لطف کن و این خانه را به من بفروش. این پول را به تو می‌دهم و برای من بین مشتری‌ها اولویت قائل شو. این پول را به‌عنوان ثمن نمی‌دهم. این کار اشکالی ندارد ولی لزوم ندارد. امروزه در بانک‌ها حق اولویت دریافت وام را می‌فروشند و به نظر می‌رسد این کار اشکالی ندارد. شما می‌توانید «حق» امتیاز خرید خودرو را بفروشید. درست است که آن خودرو موجود نیست ولی قطعاً موجود خواهد شد. عین مثن موجود نیست. با وجود توافق و تراضی، این کار

آیه الله نوری همدانی: در فرض سؤال از معامله که انجام داده‌اند و سپرده شما اگر به‌عنوان مضاربه و یا مشارکت شرعی باشد اشکال ندارد (noorihamedani.ir)

آیه الله خامنه‌ای در پاسخ به این استفتاء می‌فرماید: عنوان بیع و شراء بر آن منطبق است اگرچه شرایط بیع نسیه و بیع سلف را ندارد، زیرا شرایط مذکور شرایط حکم است نه قصد مقوم موضوع. و عقد لازم است و می‌تواند به کسی دیگر واگذار نماید و شرط مباشرت در ساخت آن نشده باشد مانع ندارد ساخته دست دیگری را تهیه نماید و تحویل مشتری دهد. (Khamenei.ir)

بنابراین برای تبیین مسأله مشارکت در تولید، لازم است نکاتی بیان گردد. یکم، مشارکت در تولید یک قرارداد مستحدثه و نوظهور است کاربرد آن ریشه در زمینه کشاورزی داشته و بعد از آن در صنعت نفت و گاز مورد استفاده قرار گرفت. (حسن بیگی، ۱۳۸۱: ۵۶) دوم، ماهیت حقوقی مشارکت در تولید، قراردادی بین پیمانکار و کارفرما است که تعبیر به‌حق شده که به مالی و غیرمالی تقسیم می‌کنند حق مالی را به دو دسته حق عینی و دینی قرار می‌دهند و در تعریف حق مالی گفته‌اند: امتیازی است که حقوق هر کشور به‌منظور تأمین نیازهای مادی اشخاص، به آن‌ها می‌دهد (این حق) قابل مبادله و تقویم به پول است، مانند حق مالکیت و حق انتفاع و حق مطالبه مبلغی پول یا انجام دادن کار معین است. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱/ ۲۵۸) مشارکت در تولید بر اساس این نظریه که یک حق مالی است در بازار تولید کالا کاربردی نیست چون موضوع کالا تولید است اما در صنعت نفت و گاز تولید نیست اکتشاف و استخراج است و درمقابل این خدمات، مالک قسمتی از نفت و گاز می‌گردد و به نظر برخی دیگر در حقوق اسلامی چنین تقسیم بندی وجود ندارند، بلکه حقوق اسلامی روابط قانونی را به‌طور جداگانه تبیین کرده است و از اصطلاح «التزام» استفاده می‌شود. (سنهوری، ۱۹۹۸: ۱۵/۱) و در حقوق اسلامی «التزام» شامل چهار مورد می‌شود: اول،

اشکالی ندارد، ولی لزوم ندارد». (فقیهی، ۱۳۹۸) بنابراین آنچه در پاسخ به نظر می‌رسد فروش کالا بر اساس حق تقدم و اولویت بیع نیست. آقای مکارم می‌فرماید: در این‌گونه معاملات که مبلغ را می‌پردازند تا اولویت داشته باشند در آینده آن جنس را بخرند، ولی در حال حاضر هیچ معامله‌ای انجام نشده و ممکن است در آینده هم انجام نشود و به‌عبارت‌دیگر فروشنده حق اولویت خرید را می‌فروشد به جهت این‌که حق خرید جزء حقوق قابل معامله در اسلام نیست، بنابراین، این‌گونه معاملات باطل است و معامله تنها در زمانی که اقدام به خرید کنند حاصل می‌شود.

(www.makarem.ir)

۳-۳-۸- فروش کالا در قالب مشارکت در تولید

عده‌ای از فقها معتقد هستند برای رعایت موازین شرع و احکام اسلامی شرکت‌های تولیدکننده کالا جهت فروش محصولات خود در قالب قرارداد مشارکت در تولید انجام شود آقای صانعی می‌فرماید پیش‌فروش‌های که در جامعه انجام می‌شود در قالب مشارکت است، نه بیع سلف. لذا مشکلاتی از قبیل عدم پرداخت ثمن در مجلس، فروش درائتای زمان تحویل، عدم تعیین مشخصات مبیع و ... مرتفع است. (گواهی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷۸)

یکی از شرکت‌های تولیدکننده کالا، خودروسازها هستند که بنا بر استفتای که از دفاتر مراجع تقلید، آقای خامنه‌ای و آقای نوری همدانی در مسأله فروش خودرو در قالب مشارکت در تولید انجام شده است بدین شرح است: برای خرید یک دستگاه خودرو به یکی از خودروسازها مراجعه کردم که گفته شد: مبلغی را به‌عنوان پیش‌پرداخت به حساب شرکت واریز و پس از چهار ماه قیمت تمام شده را بر اساس قیمت روز پرداخت کنید و اتومبیل خود را تحویل بگیرید و برای مبلغی که نزد ما دارید مشارکت مدنی کرده و سود تعلق می‌گیرد، آیا این‌گونه معامله اشکال دارد؟

بنابراین آنچه به نظر می‌رسد در مورد استصناع در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: استصناع یک عقد مستقل است که از طرف مشتری است که بدین‌صورت است سفارش ساخت بین دو شخص، اعم از حقیقی و حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص یا اجرای پروژه‌ای با ویژگی‌های مشخص در آینده است که سفارش گیرنده در ازای گرفتن بهای آن در زمان توافق شده که بخشی از آن به‌صورت نقد و بخشی از آن به‌صورت اقساط، کالای یا پروژه مورد نظر را به سفارش دهنده تحویل دهد. در استصناع مبیع طبق قرارداد در مدت زمان معین ساخته شده و تحویل مشتری می‌گردد و اقتضای ماهیت استصناع ایجاب می‌کند که هنگام عقد وجود ندارد همانگونه که در بیع سلف مبیع وجود خارجی ندارد.

نتیجه‌گیری

از بررسی و تحلیل مجموع نظرات فقها به این نتیجه می‌رسیم که بیع سلف یا پیش‌فروش کالا در بازار سنتی و به‌ویژه بورس کالا یکی از معاملات رایج است که هم برای تولیدکنندگان و هم برای سرمایه‌گذاران اهمیت ویژه دارد و این معامله در بازار بورس کالا، شرکت‌های تولیدکننده، محصولات خود را در قالب قرارداد پیش‌فروش عرضه می‌کنند.

پیش‌فروش مبتنی بر بیع سلف در فقه دارای احکامی است از جمله احکام آن ممنوعیت فروش مبیع قبل از سررسید در بازار ثانویه است که مورد اختلاف بین فقها و حقوقدانان می‌باشد که اکثر فقها قائل به عدم جواز فروش کالا سلفی شده‌اند و در مقابل عده از فقها و حقوقدانان با ارائه راه کار قائل به جواز فروش کالای سلفی در قالب خاص شده‌اند آنچه به نظر می‌رسد عبارت است از:

۱- قرارداد پیش‌فروش همان بیع سلف (سلم) در فقه است که در بازار سنتی و بورس انجام می‌گیرد هم عرفاً و هم شرعاً صحیح است.

التزام به دین، منشأ ایجاد این التزام، پول یا اشیای مثلی است. دوم، التزام به عین است منشأ ایجاد این التزام می‌تواند تملیک عین معین یا منفعت باشد. سوم، التزام به عمل، منشأ ایجاد این التزام ساختن چیز معین از طریق عقد استصناع یا انجام خدمت معین از طریق عقد اجاره باشد. و چهارم، التزام به توثیق، منشأ ایجاد این التزام عقد کفالت باشد. (کوشا و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۲) بنابراین اگر مشارکت در تولید را به معنی التزام به عمل بدانیم همان عقد استصناع است در نتیجه قرارداد مشارکت در تولید یک تعهد و التزام به عمل است منشأ ایجاد این التزام ساختن چیز معین از طریق عقد استصناع است. و برخی سعی کردند این قرارداد در قالب جعاله، مضاربه، اجاره تعریف نمایند (منظور، ۱۳۹۷: ۸۶) به نظر می‌رسد تطبیق مشارکت در تولید در قالب جعاله، مضاربه و اجاره صحیح نیست و مناسب‌ترین اینکه مشارکت در تولید را در قالب قرارداد استصناع بدانیم.

۳-۳-۹- فروش مبیع در قالب عقداستصناع

یکی از راه‌کارهای پیشنهادی در بازار پیش‌فروش کالا در قالب استصناع است و آنچه در فقه اسلامی در تعریف استصناع آمده است، عبارت است از قراردادی بین دو شخص حقیقی یا حقوقی مبنی بر تولید کالایی خاص یا احداث طرح ویژه است که در آینده ساخته و قیمت آن نیز در زمان یا زمان‌های توافق شده به‌صورت نقد یا اقساط پرداخت شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۷: ۳). قرارداد ساخت کالا در گذشته به امور خاصی چون کفش، چکمه، ظروف، کلاه و... محدود می‌شد، اما در حال حاضر در بسیاری از امور از قبیل ساخت ماشین، ساخت قطعات، فرش و... به چشم می‌خورد. قراردادهایی با کارخانه‌های بزرگ بسته شده و سفارش ساخت کالا به آن‌ها داده می‌شود. این امر مبنای بسیاری از معاملات قرار گرفته به‌نحوی که در کنوانسیون بیع کالا مصوب ۱۹۸۰ وین نیز مواردی به آن اختصاص داده شده است. (ماده ۳ کنوانسیون بیع کالا)

۲- یکی دیگر از دلایل صحت قرار داد پیش‌فروش اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها که در ماده ۱۰ ق.م.آ.م آمده است و نیز اصل صحت مذکور در ماده ۲۲۳ ق.م.آ.م است که بیانگر صحت این نوع قراردادها از جمله قرارداد پیش‌فروش است. با تمسک به عموم و اطلاق آیات که شامل هر عقد و قراردادی می‌شود از جمله قرارداد پیش‌فروش، فروش کالای سلفی قبل سررسید در صحت آن خللی ایجاد نمی‌کند چون با انعقاد عقد، ملکیت حاصل می‌شود. بنابراین پیش‌فروش در بازار سنتی و بورس صحیح و لازم است.

۳- یکی از احکام قرارداد پیش‌فروش، فروش مبیع قبل از سررسید در بازار ثانویه است که مورد اختلاف آراء، بین فقها است. برخی از فقها حکم به عدم جواز داده‌اند و برای ادعای خود به دلایلی استناد کرده‌اند که عبارت است از، اجماع، روایت، صدق بیع دین پیش از قبض، صدق بیع دین به دین، خریدار حق مطالبه ندارد، صدق معامله غرری، اصل عدم ملکیت و عدم قدرت تسلیم مبیع است که بررسی و تبیین شد.

۴- برخی از فقها حکم به جواز فروش مبیع در بازار ثانویه به‌ویژه بورس کالا دادند و برای برون‌رفت از این اشکال فقهی راه‌کارهای ارائه نموده‌اند که عبارت است از فروش مبیع در قالب صلح، وکاله، حواله، فروش مبیع به خود با بیع، بیعانه، بیع آینده، اولویت و امتیاز حق تقدم، مشارکت در تولید و استصناع است

۵- معامله ثانویه یا همان فروش کالای سلفی قبل از سررسید به مقتضای اطلاعات و عمومات اولیه جواز بیع است. زیرا با انعقاد عقد همان‌طور که فروشنده مالک ثمن (پول) است و در آن تصرف می‌کند در مقابل خریدار مالک کالای سلفی می‌شود و این ملک طلق او است، و براساس «النَّاسُ مُسَلِّطُونَ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۲۷۲) می‌تواند روی آن معامله کند و بین ثمن و مثن فرقی نیست، و همچنین برای جواز فروش کالای سلفی در بازار سنتی و

بورس می‌توان به قاعده «نفی عسر و حرج» استناد کرد زیرا حجم بسیار زیادی از کالاها در بازار بورس معامله می‌شوند به‌گونه‌ای که اگر بخواهیم این حجم را در بازارهای عادی معامله کنیم بسیار سخت و مشکل است پس برفرض عدم جواز کالای سلفی در حالت اولیه صحیح نباشد با قاعده لاجرح تعارض می‌یابد و قاعده لاجرح که از احکام ثانویه است، بر احکام اولیه از باب حکومت مقدم می‌شود که به موجب این قاعده، هیچ حکم حرجی جعل و تشریح نشده است یا اینکه گفته شود در اینجا از باب قاعده اضطرار چنین معاملاتی از جمله پیش‌فروش در بازار سنتی و بورس صحیح و جایز هستند.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

تعارض منافع: در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: نگارش متن توسط نویسنده نخست و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط سایر نویسندگان این مقاله صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از کلیه کسانی که در معرفی منابع و تهیه این مقاله ما را یاری رساندند، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش فاقد تأمین کننده مالی بوده است.

منابع و مأخذ

- ابن رشد، محمد بن احمد (۱۴۱۵). *بدایه المجتهد و نهایه المقتصد*. تصحیح خالد العطار، جلد دوم، بیروت: دارالکفر.
- ابن زهره حلبی، حمزه بن علی (۱۴۱۷). *غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع*. جلد اول، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله (۱۳۸۷). *التمهید*. بیروت: دارالاحیاء التراث الاسلامی.
- ابن همزه طوسی، محمد بن علی (۱۴۰۸). *الوسیله الی نیل الفضیله*. تحقیق محمد حسون، قم: انتشارات آیة الله مرعشی.
- السنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸). *مصادر الحق فی الفقه الاسلامی*. الطبعة الثانیة الجدیدة، بیروت: منشورات الحلبي الحقوقیه.
- انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *صراط النجاة*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۱). *صیغ العقود و الإیقات*. قم: مجمع اندیشه اسلامی.
- انواری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. تهران: سخن.
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵). *حلائق الناظره*، جلد بیستم، قم: موسسه النشر الاسلامی.
- تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷). *المسائل المنتخبة (التبریزی)*. چاپ پنجم، قم: دارالصدیقه الشهیده (س).
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۳). *ترمیمولوژی حقوق*. چاپ چهاردهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
- جعفری، محمد جعفر (۱۳۷۸). *عقد حواله*. چاپ سوم، تهران: انتشارات، گنج دانش.
- جواهری، حسن (۱۴۱۹). *بحوث فی فقه المعاصر*. جلد اول، چاپ اول، بیروت: دارالذخایر.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسایل الشیعه*. جلد هجدهم، قم: موسسه آل البيت (ع).
- حسن بیگی، ابولفضل (۱۳۸۱). *نفت، بای بک و منافع ملی: بیع متقابل در توسعه میادین نفت و گاز و تأثیر آن بر امنیت ملی - منافع ملی*. تهران: آوای نور.
- حسینی روحانی، سید محمد (۱۴۱۷). *المسائل المنتخبة*. کویت: شرکه مکتبه الافین.
- حسینی سیستانی، سید علی (۱۴۲۲). *المسائل المنتخبة*. چاپ نهم، قم: دفتر حضرت آیة الله سیستانی.
- حسینی شیرازی، سید صادق (۱۴۲۵). *التعلیقات علی شرائع الاسلام*. جلد اول، چاپ ششم، قم: انتشارات استقلال.
- حسینی عاملی، سید جواد بن محمد (بی تا). *مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط، القدیمة)*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۴). *التنقیح الرائع المختصر الشرائع*. جلد دوم، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- حیدری، علی (بی تا). *معارف اسلام*. جلد سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- خراسانی، علی (بی تا). *شرح تبصرة المتعلمین*. جلد دوم، قم: دارالفکر.

- رافعی، عبدالکریم (بی‌تا). *فتح‌العزیز*. جلد دوازدهم، بیروت: دارالفکر.
- طوسی، محمد حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*. تصحیح شیخ علی خراسانی و دیگران، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- راوندی، قطب‌الدین، سعید بن عبدالله (۱۴۰۵). *فقه القرآن*. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- عاملی (محقق کرکی)، علی بن حسین (۱۴۱۴). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. جلد چهارم، چاپ دوم، قم: موسسه آل‌البيت.
- سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳). *مهذب الاحکام فی بیان الاحکام بیان الحلال و الحرام*. قم: نشر موسسه المنار.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۸). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. جلد دوم، قم: موسسه نشر اسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۱۷). *الدروس الشرعیه فی فقه الامامیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (بی‌تا). *تذکره الفقهاء*. تحقیق و تصحیح گروه پژوهش موسسه آل‌البيت، قم: موسسه آل‌البيت.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۰). *الروضه البهیمه فی شرح المعه المشقیه*. چاپ اول، قم: انتشارات داوری.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۰). *تحریر الأحکام الشرعیه*. جلد ششم، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- شهید ثانی، زین‌الدین (۱۴۱۳). *مسالك الافهام*. تحقیق و تصحیح گروه پژوهش موسسه معارف اسلامی، قم: موسسه المعارف الاسلامیه.
- عمید، حسن (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی عمید*. چاپ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- صادقی مقدم، محمد حسن و همکاران (۱۳۹۵). «تحلیل فقهی - حقوقی قرارداد سلف موازی استاندارد؛ ابتکاری جدید برای بازار سرمایه». *دو فصلنامه علمی پژوهشی دانش حقوق مننی*، ۲۶-۴۰.
- فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۸). «صکوک سلف، ابرازی مناسب برای تأمین مالی و پوشش ریسک». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۳۳: ۷-۳۳.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۵). *المقنع*، قم: مؤسسه امام هادی.
- فایض، علیرضا (۱۳۸۳). *مبایذی فقه و اصول*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸). *حقوق مننی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کلباسی، محمد ابراهیم بن محمد حسن (بی‌تا). *منهاج الهدایه*. بی‌جا.
- طوسی، ابو جعفر محمد (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- گوشا، ابوطالب و شفیع زاده خولنجانی، مصطفی (۱۳۹۷). «ماهیت حقوقی قرارداد مشارکت در تولید از منظر حقوق ایران و فقه امامیه». *آموزه‌های فقه مدنی*، ۱۷: ۳۵-۶۴.
- گواهی، زهرا و همکاران (۱۳۹۲). «بررسی راه‌کارهای فقهی و حقوقی معاملات پیش‌فروش». *دو فصلنامه پژوهش‌های مالیه اسلامی*، ۱(۱): ۶۵-۸۲.
- مارودی المصری، ابی الحسن علی بن محمد (۱۴۱۴). *الحاوی الکبیر فی فقه الامام الشافعی*، جلد ششم، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
- محقق حلی، نجم الدین جعفر (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام*. جلد دوم، چاپ دوم، قم: موسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی و همکاران (۱۳۸۹). *حقوق قراردادها در فقه امامیه*. جلد دوم، چاپ اول، قم: سبحان.
- معصومی نیا، غلام علی (۱۳۸۷). *ابزارهای مشتقه: بررسی فقهی و اقتصادی*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- معین، محمد (۱۳۷۶). *فرهنگ فارسی معین*. جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). *مجمع الفوائد و البرهان*. تحقیق مجتبی تهرانی و همکاران، قم: جامعه مدرسین.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵). *انوار الفقاهه فی احکام العترة الطاهره*. قم: ناشر مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. احکام معاملات جدیده . (<https://makarem.ir>)
- منظور، داود؛ مهدوی، اصغر آقا؛ امانی، مسعود و کهن هوش نژاد، روح الله (۱۳۹۷). «تحلیل ماهیت قراردادهای بالا دستی صنعت نفت از منظر فقه امامیه». *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۲۰: ۷۷-۹۲.
- موسوی خمینی، روح الله (۱۴۰۳). *تحریر الوسیله*. تهران: مکتبه الاعتماد.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (بی‌تا). *المسائل المنتخبه*. قم: موسسه الخویه الاسلامیه.
- موسویان، سید عباس (۱۳۸۹). «اوراق سلف، ابزاری برای تأمین مالی پروژه‌های بالا دستی صنعت نفت». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۱۰ (۳۹): ۸۵-۱۱۶.
- ناصری مقدم، حسین و همکاران (۱۳۹۲). «بررسی روایی قبض در معاملات آتی بورس». *آموزه‌های فقه مدنی*، ۸: ۴۹-۷۴.
- نجفی (کاشف الغطاء)، حسن بن جعفر بن خضر (۱۴۲۲). *انوار الفقاهه (کتاب البیع)*. نجف: نشر موسسه کاشف الغطاء.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. جلد بیست و چهارم، چاپ هفتم، بیروت: دار احیا التراث العربی.
- نراقی، احمد، (۱۴۱۷). *عوائد الایام*. چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- نووی الدمشقی، ابوزکریا یحیی بن شرف (بی‌تا). *روضه الطالبین*. جلد سوم، ریاض: دار العالم الکتاب.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود و همکاران (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، قم.

- یوسفی (فاضل آبی)، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷). کشف الرموز فی شرح مختصر النافع. چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸). «استصناع». فقه اهل بیت، شماره ۱۹-۲۰: ۳۴۱-۳۶۳.